

مؤسسات اعتباری غیربانکی رقیبی تازه نفس برای بانکها

جناب آقای علی رضا خطیب

رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل بانک تجارت

بسمه تعالی

مقدمه: مؤسسات اعتباری غیربانکی بزودی آغاز به کار خواهند کرد

قریب یکصد مورد درخواست اجازه تأسیس مؤسسه اعتباری غیربانکی به بانک مرکزی رسیده است که کار رسیدگی به آنها در اداره نظارت بر مؤسسات اعتباری غیربانکی در آن بانک در حال انجام است و پیش‌بینی می‌شود تا قبل از پایان سال تعدادی از این مؤسسات فعالیت خود را آغاز نمایند. بر طبق ضوابط تأسیس و فعالیت مؤسسات اعتباری، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند پس از اخذ مجوز لازم از بانک مرکزی تحت عنوان مؤسسات اعتباری غیربانکی به فعالیت خاص و یا عمومی بپردازند. منظور از فعالیت خاص، یک رشته از عملیات تجاری، صنعتی، کشاورزی و... می‌باشد و فعالیت عمومی یعنی نظیر بانکها، همه بخشهای اقتصادی را شامل می‌گردد. این مؤسسات می‌توانند در تمام نقاط کشور شعبه دائر نمایند و همانند بانکها به جمع‌آوری سپرده مردم بپردازند و از سوی دیگر قادرند تسهیلات مختلف پولی و اعتباری و خدماتی مشابه بانکها ارائه نمایند.

با این توصیف، مؤسسات اعتباری غیربانکی رقیب جدید برای بانکها خواهند بود، و چنانچه از ابتدا عملیات خود را به وسیله ابزارهای کامپیوتری مجهز نمایند، و در انجام خدمات پولی و اعتباری سرعت کافی داشته باشند، می‌توانند توجه مشتریان بانکها را به خود جلب نمایند، زیرا در حال حاضر

نقطه ضعف بارز بانکها همان کندی در اجابت درخواست مشتریان است. البته آنچه که مشتریان را در این انتخاب دچار شک و تردید خواهد کرد، اعتبار و قدرت مالی بانکهای دولتی است که در مقابل مؤسسات اعتباری خصوصی امتیاز مهمی به حساب می آید.

گرچه هم اکنون تعدادی مؤسسه اعتباری غیربانکی مشغول فعالیت پولی و مالی هستند که عموماً متعلق به نهادها و ارگانهای کشور می باشند لکن این مؤسسات در حوزه محدود شرکتهای وابسته به این نهادها و ارگانهای دولتی فعالیت می نمایند و در حقیقت مجاز به جمع آوری سپرده های مردم نیستند.

یکی از این مؤسسات اعتباری که به صورت غیرمستقیم از منابع صندوقهای قرض الحسنه تغذیه می شود، سازمان اقتصاد اسلامی است که متعلق به بخش خصوصی می باشد. بزودی این مؤسسات نیز موظفند فعالیت های خود را با مقررات مربوط به مؤسسات اعتباری غیربانکی تطبیق داده و تحت نظارت بانک مرکزی در آیند.

در این مقاله سعی می شود، ابتدا به چگونگی فعالیت برخی از مؤسسات اعتباری موجود پرداخته شود، آنگاه پیرامون ضوابط و مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات اعتباری مباحثی مطرح خواهد شد. اشاره به چگونگی فعالیت اینگونه مؤسسات در برخی کشورهای پیشرفته جهان از جمله مباحث در این بررسی است. دریافت موقعیت فعلی بانکهای کشور در مقابل رقبای تازه نفس از جمله نکات مهم می باشد که به آن پرداخته می شود. نقاط مشترک مؤسسه اعتباری و بانکها از دیگر مسائل مورد توجه است که به اهم آنها اشاره می گردد و بالاخره مقایسه نقاط ضعف و قوی مؤسسات اعتباری و بانکهای کشور از دید مقررات و ضوابط قانونی، حاصل جمع بندی مباحث قبلی است که ارائه خواهد شد. در فصل آخر، نتیجه گیری و پیشنهادات ارائه می شود.

فصل اول

بخش اول: موقعیت مؤسسات اعتباری غیربانکی در کشور

اغلب بنیادهای انقلاب اسلامی دارای مؤسسات مالی یا اعتباری هستند که جهت گردش عملیات مالی و پولی و اعتباری بین شرکتهای تحت پوشش خود فعالیت می نمایند. بطور مثال بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی جهت تنظیم گردش منابع مالی صدها شرکت بزرگ و کوچک تابعه، صندوقی ایجاد نموده است. بنابر ضوابط این صندوق، کلیه شرکتهای کمبود منابع خود را از این صندوق تأمین می نمایند و همچنین مازاد منابع را بایستی به این صندوق واریز کنند، در نتیجه یک مدار بسته مالی، پولی و اعتباری به مرکزیت این صندوق بوجود آمده و تا حدود زیادی نیاز مراجعه به

سیستم بانکی و سایر منابع مالی را کاهش می‌دهد.

جدا کردن این رشته عملیات مالی از سیستم کل کشور به مفهوم ایجاد یک بانک مستقل و خارج از سیاست‌های پولی و اعتباری کشور است، به دیگر سخن اینکه، این چنین فعالیت‌های موقعیت طیف عملیات یک بانک رسمی و یا یک مؤسسه اعتباری غیربانکی را نشان می‌دهد که نقش واسطه و جوه را ایفاء می‌نماید، بدون آنکه حد و مرز و سقف‌های اعتباری داشته و حجم عملیات آن در آمار کل کشور تلفیق شده باشد.

نمونه‌های دیگری نیز در بنیادها و سازمانهایی که دارای شرکتهای متعدد هستند دیده می‌شود که کم و بیش مشابه بنیاد فوق‌الذکر عمل می‌نمایند. برخی از این صندوقها، سعی نموده‌اند تا دستورالعملهای عقود اسلامی را الگو نمایند و از نمونه قراردادهای معاملات بانکی نیز استفاده می‌نمایند.

صندوقهای قرض‌الحسنه گرچه برحسب ضوابط بانک مرکزی تابع مقررات خاص خود هستند لکن در ابعاد کوچکتری همان مؤسسات اعتباری خاص می‌باشند که صرفاً به دریافت و پرداخت قرض‌الحسنه می‌پردازند از این جهت، این صندوقها به هیچ عنوان مجاز به فعالیت اعتباری دیگری نمی‌باشند.

دهها شرکت مضاربه‌ای و سرمایه‌گذاری که طی ده ساله گذشته با شعارهای فریبنده و با اهداف غیرمالی، سعی در به انداختن سرمایه‌های کوچک مردم و تطمع ایشان به سودهای کلان داشتند، در غیاب نظارت به موقع بانک مرکزی، زندگی بسیاری از مردم را به تباهی کشانیدند. نهایتاً با شکایات وسیع سپرده‌گذاران، ماهیت آنها برملا شده و بطلان شعار آنها آشکار گردید.

قبل از ملی شدن بانکها، فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی در قالب صندوق پس‌انداز مسکن و تحت نظارت بانک مرکزی، تجربه موفق بود که هم اکنون نیز، بار دیگر، وزارت مسکن در صدد تجدید حیات آن است و به نظر می‌رسد از جمله مؤسسات اعتباری غیربانکی مفید و مؤثر در کشور باشد.

بهرصورت، اهمیت قضیه در آن است که کلیه این گونه مؤسسات تحت نظارت بانک مرکزی درآیند تا تنظیم سیاست‌های پولی کشور بر اساس آثار و حجم عملیات بانکها و مؤسسات اعتباری به صورت واقعی امکان یافته و اجرای این سیاست‌ها عملی گردد.

بخش دوم: موقعیت مؤسسات اعتباری غیربانکی در خارج

تخصص‌گرایی از جمله‌گرایش‌ها نسل اعتبار جدید است، روز به روز بر تعداد مؤسسات اعتباری غیربانکی تخصصی افزوده می‌شود در حالی که بانکهای تجاری جهان رو به افول هستند و گاهاً بزرگترین بانکهای دنیا مجبور به ادغام و یا تعطیل می‌شوند.

بررسی‌های اخیر بانک مرکزی در رابطه با فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی در کشورهای اروپایی از جمله آلمان، انگلیس و همچنین در امریکا نشان می‌دهد که جاذبه این مؤسسات برای پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران مطلوب‌تر از بانکهاست و هرچه رشد سپرده‌ها و تعهدات مؤسسات اعتباری افزایش می‌یابد از رشد آن در بانکها کاسته می‌شود.

در کشورهای مورد مطالعه بیش از سی نوع مؤسسه اعتباری غیربانکی وجود دارد (به ضمیمه پیوست مراجعه شود).

دلیل بقاء یک بانک موفق و یا مؤسسه اعتباری، توان ریسک‌پذیری و در حقیقت شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر خطرات و پیش‌بینی به جای آن است در نتیجه یک بانک تجاری که دهها نوع عملیات اعتباری شبیه اعطاء وام‌های تجاری و خدماتی و صنعتی، صدور ضمانتنامه، صدور اعتبار اسناد صادراتی و وارداتی و انجام انواع معاملات ارزی در بازارهای پولی جهان و غیره را انجام می‌دهد در زیر بار انواع ریسک با خطرات متفاوت است و هیچگاه نمی‌تواند از تمامی این خطرات مصون بماند در حالی که یک مؤسسه اعتباری تخصصی، با همان توان و امکانات فقط با یک نوع خطر مواجه است که طبعاً به دلیل استمرار آشنای و نزدیکی مداوم با آن، پیش‌بینی واقعی عملی‌تر بوده و فرار از زیانهای احتمالی سریعتر و راحت‌تر خواهد بود.

بخش سوم: شرایط و ضوابط فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی

مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی در سال گذشته از تصویب شورای پول و اعتبار گذشت و شبهاتی که از نظر مغایرت با قانون اساسی مطرح بود به وسیله شورای نگهبان منتفی گشت. این ضوابط، چگونگی روابط مؤسسات اعتباری غیربانکی را در ارتباط با سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان معین می‌سازد. در واقع بانک مرکزی با تدوین این مجموعه قانونی توانست جایگاه مؤسسه مذکور را به عنوان واسطه وجود، در کنار بانکها و به منظور تکمیل و تقویت عملیات اعتباری و پولی در کشور روشن سازد.

در ضوابط پیش‌بینی شده، به جز افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک، می‌توان گفت تمام عملیات پولی و اعتباری توسط این گونه مؤسسات انجام می‌شود لکن هیچ‌گاه بانک شناخته نمی‌شوند این مؤسسات همانند بانکهای کشور، با قبول پس‌انداز و انواع سپرده‌ها از مردم، به وام دهی می‌پردازند و موظفند تمامی عملیات خود را غیرربوی انجام دهند، در حقیقت قانون بانکداری بدون ربا الگوی معاملات آنها است. همچنین با پرداخت سپرده قانونی به بانک مرکزی، تحت نظارت و هدایت آن بانک قرار می‌گیرند. در مقررات مربوطه، به منظور کنترل فعالیت اعتباری این مؤسسات، نسبت‌های مالی قابل دسترسی پیش‌بینی شده مانند نسبت مانده اعتبارات اعطائی به حساب سرمایه

مورد توجه بوده است که

حداکثر آن ۱۵ < مانده تسهیلات اعتبارات اعتباری می باشد. حساب سرمایه

مؤسسات اعتباری در کشور به دو بخش تقسیم شده‌اند، تخصصی و عمومی. مؤسسات تخصصی فقط می‌توانند به یک نوع فعالیت در یکی از بخشهای اقتصادی بپردازند. مثلاً، خدمات یا صنعت و یا معدن و یا این که فقط از طریق یک نوع معامله اقدام به عملیات اعتباری نمایند. مانند مشارکت مدنی، جعاله، اجاره به شرط تملیک، مضاربه و... عملیات لیسینگ یکی از انواع این عملیات می‌باشد. در نوع عمومی، مؤسسه می‌تواند به انواع معاملات در تمام بخشهای اقتصادی مبادرت ورزد.

نکته مهم و قابل توجه آنکه مؤسسات اعتباری غیربانکی عمومی الزاماً از نوع شرکتهای سهامی عام هستند لکن مؤسسه اعتباری تخصصی می‌تواند سهام خاص باشد.

از شرایط خاص جهت پذیرش بانک مرکزی، تخصیص ۵ میلیارد ریال سرمایه اولیه توسط مؤسسون می‌باشد. همچنین تأیید صلاحیت و اهلیت مدیرعامل و قائم مقام وی در مؤسسه توسط بانک مرکزی از جمله شرایط مربوطه می‌باشد.

به منظور تطبیق وضعیت مؤسسات اعتباری موجود با ضوابط و مقررات قانونی، بانک مرکزی یکسال مهلت تعیین نموده است. در غیر این صورت فعالیت این گونه مؤسسات غیر قانونی خواهد بود.

از جمله نکات قابل توجه، ممنوعیت بانکها در سرمایه‌گذاری در این گونه مؤسسات می‌باشد.

فصل دوم

بخش اول: موقعیت فعلی بانکهای کشور در مقابل مؤسسات اعتباری غیربانکی

علاوه بر نارسائیهای موجود در ارتباط ارکان بانکها با یکدیگر، تداخل و جابجایی اختیارات و مسئولیتهای که باعث عدم توفیق بانکهای کشور می‌باشد،^۱ سازمان عریض و طویل، بوروکراسی دولتی به ویژه در بخش اعطای تسهیلات، عدم انگیزه کافی در اقشار مختلف کارکنان بانکها، و بالاخره فشارهای گوناگون از طرف سازمانها و دستگاههای دولتی برای اخذ خدمات و تسهیلات بانکی بلند

۱- نارسائیهای موجود در ارکان بانکها، موضوع تحقیق پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، مؤسسه

مدت و ارزان، باعث تضعیف بانکها شده است. آنچه توان بانکها را در رقابت با مؤسسات تازه‌نفس کاهش می‌دهد، ورود بانکها در انواع و اقسام فعالیتهای بانکی و غیربانکی است.

بانکهای تجاری، ضمن فعالیتهای بازرگانی و خدماتی در طرحهای کشاورزی، صنعت و معدن و ساختمان، مشارکت دارند علاوه بر آن سدسازی، جاده‌سازی، متروسازی، احداث کارخانه‌های سیمان، طرحهای کشت و صنعت بزرگ و پتروشیمی و دیگر انواع طرحهایی که منابع بانکها را طبیعتاً برای مدت طولانی حبس می‌نمایند، می‌توانند از عوامل مهم بازدارنده بانکها باشد که در این صورت مؤسسات اعتباری بدون داشتن این عوارض می‌توانند نقش بزرگی در واسطه بودن و جوه ایفاء نموده و سهم بزرگی در جذب سپرده‌های مردم داشته باشد.

از پدیده‌های دیگری که با حضور مؤسسات اعتباری موجب زیان هنگفت بانکها خواهد بود، جذب نیروهای زبده و مجرب توسط این مؤسسات است، زیرا بخش خصوصی در پرداخت حقوق و مزایا محدودیت فعلی بانکها را نداشته و به راحتی می‌تواند با پرداخت‌های بیشتر، توجه کارکنان بانکها را به خود جلب نماید.

می‌توان پیش‌بینی کرد که منابع مالی عظیمی از بانکها به سوی مؤسسات اعتباری سرازیر شود، زیرا مشتریان بانکها طالب دریافت خدمات سریعتر و برخوردارهای دوستانه‌ترند، لذا با انتقال کارکنان با سابقه بانکها به مؤسسات و همچنین تدابیر این مؤسسات در فراهم کردن خدمات سریع، مشتریان بانکها را به سوی خود جلب می‌نمایند.

خواسته سپرده‌گزاران برای دریافت سود بیشتر و از سویی اصرار تسهیلات‌گیرندگان برای اخذ سریع تسهیلات اعتباری، فرصت مغتنمی برای حضور مؤسسات اعتباری غیربانکی است، زیرا مؤسسات می‌توانند با کاهش هزینه تمام شده پول اولاً سود بیشتری به سپرده‌گزاران بپردازند و از طرف دیگر سریعتر از بانکها تسهیلات مورد نیاز متقاضیان را فراهم آورند.

بخش دوم: نقاط مشترک و تفاوتها در مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانکهای کشور

واسطه وجوه بودن از خصائص اصلی هر دوی اینهاست. مؤسسات و بانکها، پس‌اندازها و سپرده‌های مردم را قبول می‌نمایند، حساب پس‌انداز و سپرده‌های بلندمدت یا کوتاه‌مدت افتتاح می‌نمایند و برای حسابهای پس‌انداز جوایزی به دارندگان حساب‌ها می‌دهند. سود سپرده‌ها را ماهیانه می‌پردازند و برای دارندگان حساب سپرده بلندمدت امتیازات خاصی را قائل می‌شوند، مانند تخفیف در کارمزد خدمات پولی و اعتباری و اولویت خاصی در دریافت تسهیلات اعتباری، مؤسسات اعتباری و بانکها، حواله‌های ریالی و ارزی صادر می‌نمایند، برای صدور ضمانتنامه هر دو دستگاه مجاز هستند و خلاصه در انواع و اقسام خدمات و یا اعطاء تسهیلات مشابه یکدیگر عمل می‌نمایند. بانکها و نیز

مؤسسات اعتباری موظف به رعایت دستورالعمل‌های بانک مرکزی هستند و مرتباً آمارهای مورد نیاز آن بانک را تهیه و ارائه می‌نمایند. هر دوی اینها مکلف به پرداخت سپرده قانونی به بانک مرکزی هستند و در صورت تخلف از مقررات مربوطه توسط بانک مرکزی جریمه می‌شوند. اما تفاوتها در این دو رکن پولی و اعتباری بسیار است، لذا برای روشن تر شدن موضوع، ابتدا به نقاط غیرهمسو در ماهیت این دو می‌پردازیم.

مؤسسات اعتباری به دنبال حداکثر کردن سود هستند و برای رسیدن به این هدف لازم است هزینه‌ها را به حداقل رسانیده و رضایت مشتریان را به حداکثر برسانند. معمولاً برای رسیدن به این اهداف در یک مؤسسه خصوصی، لازم است از تورم کارمند جلوگیری شده و هزینه‌های بالاسری را کم نمایند به دیگر سخن تعدیل سازمان به حداقل ممکن تا جایی که بازده نزولی به صفر برسد انجام می‌شود. استخدام و جایگزینی افراد زبده و بهتر به سرعت انجام می‌شود به طوری که جایی برای افراد کم‌کار و بی‌کار وجود ندارد.

رضایت مشتریان عمده‌ترین شاخص برای شناسایی نیروهای مؤثر سازمان است و به محض کاهش رضایت مشتری حساسیت بر روی کارکنان بخش جدی خواهد بود.

در حالیکه در بانکهای دولتی این مسایل وجود ندارد و افراد داخل بانک همچون یک خانواده، یکدیگر را تحمل می‌نمایند و عدم رضایت مشتری دلیل موجهی برای تعویض یا اخراج کارمند نیست. از جمله تفاوت‌های بین بانکهای دولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی، تکالیف قانونی و دولتی بانکها در اعطاء تسهیلات می‌باشد، هم اکنون بانکهای تجاری و تخصصی کشور مکلف به پرداخت میلیاردها ریال تسهیلات بلندمدت با سود کم حتی کمتر از هزینه تمام شده پول هستند که عموماً مصرف‌کنندگان این گونه اعتبارات، دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آن می‌باشند در این وضعیت متقاضیان بخش خصوصی به منابع بانکها کمتر دسترسی دارند و یا حداقل در اولویت نیستند.

نقش مکمل مؤسسات اعتباری غیربانکی در اینجا ظاهر می‌شود. زیرا این مؤسسات فارغ از تکالیف دولتی و قانونی بودجه‌ای، به تغذیه بخش خصوصی می‌پردازند.

بخش سوم: مقایسه نقاط ضعف و قوت بانکها در مقایسه با مؤسسات اعتباری غیربانکی آنچه موجب تداوم فعالیت بانکها خواهد بود، حمایت دولت و تضمین سپرده‌های مردم است که در طول ۱۵ سال پس از ملی شدن بانکها، مردم به این امر واقف شده و اعتماد لازم را پیدا نموده‌اند. به همین دلیل متوقف یا تعطیل شدن یک بانک دولتی توسط بانک مرکزی عملی نیست و تاکنون نیز سابقه نداشته است. در حالی که در مورد مؤسسات اعتباری غیربانکی متعلق به بخش خصوصی، بانک مرکزی در هر زمان که به تخلف آنها واقف شود می‌تواند موقتاً یا به صورت دائم آنها را تعطیل

نماید. سوء سابقه شرکتهای مضاربه‌ای و سرمایه‌گذاری مشکل دیگری است در سر راه مؤسسات اعتباری غیربانکی که برای پاک کردن آثار آن از ذهن مردم تلاش زیادی را باید انجام دهند. از دیگر امتیازات بانکها نسبت به مؤسسات اعتباری غیربانکی، شبکه گسترده بانکها در سراسر کشور و بعضاً در خارج از کشور است که بدین وسیله در جمع‌آوری سپرده‌های مردم توفیق زیادی داشته و روز به روز بر توسعه آن افزوده می‌شود. مؤسسات برای دستیابی به این امتیاز مهم راه درازی در پیش دارند.

بانکها با افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک بیشترین خواسته‌ها و نیاز جابجائی پول را برای مشتریان خود انجام می‌دهند و در حقیقت یکی از ابزارهای مهم بانکها در رقابت با مؤسسات همین خدمت است و حال آنکه مؤسسات به دلیل فقدان این خدمت باید در صدد جایگزینی خدمات دیگری باشند تا مشتریان بیشتری را جذب می‌نمایند.

تجارب ده ساله عملیات بانکداری بدون ربا بر پایه عقود اسلامی راه بانکها را در این مسیر باز نموده و حوادث تلخ و شیرین این انقلاب مهم در بانکداری را پشت سر گذاشته‌اند و از اینرو نسبت به مؤسساتی که تازه به این محیط قدم می‌گذارند جلوترند. با این حال مؤسسات اعتباری با بکارگیری نیروهای کارآمد بانکها می‌توانند به خوبی از این تجارب بهره‌برداری نمایند. البته توفیق آنها بستگی به شناخت و اعتقاد مدیران مربوطه خواهد داشت.

امتیاز بارز و کارساز مؤسسات اعتباری خصوصی نسبت به بانکهای دولتی، میزان حقوق و دستمزد دو مزایای آنها است. معمولاً بخش خصوصی کارکنان خود را از لحاظ مالی تأمین می‌نماید و تا زمانی که از کار آنان راضی است سعی می‌نماید آنها را از وضع خود راضی باشند. این امر باعث می‌شود فعالیت کارکنان به حداکثر خود برسد و از این طریق می‌توانند از بانکها پیشی گیرند.

فصل سوم

بخش اول: نتیجه‌گیری

با گذشت ده سال از تصویب قانون بانکداری بدون ربا و پشت سر گذاردن سمینارها، کنفرانس‌ها و...، بانکهای کشور هنوز نتوانسته‌اند به خوبی، روش جدید بانکداری در کشور اسلامی ایران را به مردم و دیگر نقاط جهان معرفی نمایند. فرهنگ ربوی گذشته هنوز در بازار وجود دارد، و بسیاری از مشتریان بانکها نتوانسته‌اند وضع خود را با قانون جدید تطبیق دهند و از اینرو فشار زیادی در مقابل حرکت قانون حذف ربا بوجود آورده‌اند، در نتیجه شعب بانکها برای رقابت با یکدیگر در جلب مشتریان ناچار می‌شوند تن به عملیات ربوی بدهند زیرا از دست دادن مشتری و کاهش سپرده موجب تنزل مقابل رئیس شعبه خواهد بود. این روش باعث شده است تا علی‌رغم میل و انتقال

مسئولین سطوح مختلف بانک، بانکداری بدون ربا بطور کامل محقق نشود. از نظر مشتریان اشکال کار در بورکراسی زیاد بانکها و کندی در کار می باشد این خطر با شدت بیشتری در مقابل مؤسسات اعتباری قرار دارد. زیرا هدف مؤسسه اعتباری کسب سود حداکثر است و از اینرو باید در جلب و جذب مشتری تلاش بیشتری نماید که در این صورت مشتریان متمایل به مؤسسه اعتباری طبیعتاً به منظور سرعت بیشتری در انجام خواسته هایشان جذب آنها خواهند شد ولی ماهیتاً عملیات بانکداری بدون ربا در شرایط فعلی و مقررات جاری سرعت لازم را ندارد و مؤسسه را دچار وقفه می نماید.

با این حال، آنچه مسلم و قابل پیش بینی است، گرایش بسیاری از سپرده گزاران و مشتریان بانکها به سمت مؤسسات اعتباری خواهد بود. علت این امر کندی کار بانکها، عدم برخورد مناسب واحدهای بانکی با مردم و عدم انعطاف لازم و کافی در جهت رضایت مشتریان می باشد.

انتظار مردم از مؤسسات اعتباری غیربانکی، سرعت عمل در خدمات پولی و اعتباری، کسب سود بیشتر در مقابل سپرده گذاری و بالاخره دریافت تسهیلات مالی بدون بوروکراسی موجود در بانکها می باشد و در صورتی که مؤسسات بتوانند به این خواسته ها پاسخ مثبت بدهند، دیری نخواهد گذشت که بانکها مشتریان زیادی را از دست خواهند داد.

همزمان با رشد مؤسسات اعتباری غیربانکی در کشور، خطر جدیدی، نظام بانکداری و بلکه اقتصاد کشور را تهدید خواهد نمود. سهامداران و مؤسسين چه کسانی هستند؟ آیا علت ملی شدن بانکها، بیمه ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی چه بوده است؟ همه می دانند عمده سهام بانکهای خصوصی در گذشته متعلق به معدود اشخاصی بود و دیدیم که چگونه تحت عنوان بانک، سرمایه های مملکت را به تاراج بردند و حتی کشورهای بیگانه از این طریق سهم عمده ای در غارت کشور داشتند.

سهامداران عمده تعدادی از بانکهای قبل از ملی شدن

نام بانک	سهامداران عمده ایرانی	سهامداران عمده خارجی
اعتبارات	۱۰ خانواده	۳۵٪ فرانسوی
ایران و انگلیس	۵ خانواده	۳۵٪ انگلیسی
ایران و ژاپن	۵ خانواده	۳۳٪ ژاپنی
ایران و خاورمیانه	۵ خانواده	۳۵٪ انگلیسی
ایران و هلند	۵ خانواده	۳۵٪ هلندی
ایرانیان	۵ خانواده	یک بانک امریکائی

حال، گرچه بانک مرکزی بنا به دستور مؤکد مقام محترم رهبری در تأیید صلاحیت و اهلیت مدیرعامل و قائم مقام او نهایت سعی و تلاش خود را به کار خواهد گرفت، لکن ترکیب مؤسسين و سهامداران چگونه کنترل خواهد شد؟ به ویژه مؤسسات اعتباری تخصصی که به صورت شرکت سهامی خاص هستند و طبیعتاً تعداد سهامداران بسیار اندک خواهد بود.

در مؤسسات اعتباری عمومی نیز این خطر وجود دارد که برخی از روابط گذشته تجدید حیات شود و آثار شوم را مجدداً رونق بخشد.

به نظر می‌رسد حد قدرالسهم شخص حقیقی یا حقوقی در مؤسسات اعتباری باید تعیین و کنترل شود.

بخش دوم: پیشنهادات

بانکهای کشور می‌توانند در وضعیت بسیار بهتر و مناسب‌تری قرار گیرند به صورتی که سرعت عمل در کارها ایجاد شده، کارکنان با روحیه بهتری به انجام وظیفه پردازند و ضمناً عملیات بانکداری بدون ربا به واقعیت خود نزدیک‌تر شود:

الف: چون بانکها با حدود ۱۲ نوع عقود اسلامی سر و کار دارند و برای هر یک دستورالعمل و بخشنامه‌های گوناگونی تهیه و ابلاغ شده است، کارکنان دچار سردرگمی هستند و کم‌کم میل و کوشش آنها برای یادگیری و بخاطر سپردن آن همه مقررات و دستورات پیاپی و پیچیده کم شده است تا جایی که دیده می‌شود هر مسئول یا رئیس واحدی از بانک بنابر علاقه و سلیقه خود به یکی از انواع عقود تعصب پیدا می‌نماید و همه امور بانک را از همان روش قابل حل و فصل می‌بیند و مشتریان بانک را نیز به انتخاب همان نوع معامله ترغیب و هدایت می‌نماید. این واقعیت در بطن کار بانک و از خصائص بانکداری است. زیرا تخصیص‌گرایی در دنیای امروز امری رایج و جدی شده است و بانکها ناخودآگاه بدین سوی کشانیده می‌شود. حال یکی از راهها برای تسهیل در این امور و هدایت بانکها به شیوه‌های تخصصی، همانند مؤسسات اعتباری تخصصی می‌توان به جای ۱۲ نوع عقد مورد نظر قانون، بنا به گرایش معقول سیستم بانکی، فقط دو یا سه مورد از آن را انتخاب نموده و در این جهت سیستم را آموزش کافی و قوی داد تا بوروکراسی به حداقل برسد و مشتری نیز طالب اجرای صحیح عقود گردد.

ب - بالاخره باید پذیرفت که بانکهای دولتی را کارکنان اداره می‌کنند و نه صرفاً قانون و مقررات. بایست وضع معیشتی کارمندان مطابق شئون و نیازهای متعارف متعادل گردد وگرنه چه انتظاری از آنان می‌توان داشت، اگر کارکنان بانکها بتوانند تا ۴۹٪ سرمایه بانک شریک شوند، بسیاری از انگیزه‌های فعالیتی بهتر برای بانکها احیاء خواهد شد. اگر بپذیریم که ارزشهای انقلاب اسلامی را

حفظ نموده‌ایم و بر اساس آنها حرکت می‌کنیم پس نباید نگران باشیم که روزی بانکهای خصوصی هم بتوانند شکل بگیرند. باید باور کنیم که کارکنان دولت به ویژه در بانکها از سالم‌ترین و کم‌توقع‌ترین اقشار مردم هستند و می‌توان به آنها اعتماد نمود، همان گونه که اکنون میلیاردها ارز و ریال در دست کارکنان بانکها گردش دارد و برای حفظ و صیانت از ثروت ملی لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهند. پس قسمتی از سهام بانکها را می‌توان با آسودگی خیال به آنان سپرد و مطمئن بود که بیش از گذشته در رشد و شکوفائی اقتصاد کشور مؤثر باشند.

ج- این ادعا زمانی بیان می‌شود که مؤسسات اعتباری توسط بخش خصوصی در حال شکل‌گیری است بدیگر سخن بانکهای کوچک و خصوصی در حال تأسیس هستند در حالی که سهامداران و مؤسسين آنها برای مسئولین اقتصادی و بانکی کشور شناخته شده نیستند و البته می‌توانند از هر قشر و گروهی باشند و در مقررات فعلی نیز محدودیتی برای سهامداران و میزان سهام آنها وجود ندارد.

بنظر می‌رسد که لازم است حد و حدودی برای میزان سهام هر شخص تعیین شود و به طریقی بررسی شود که مجدداً اختاپوسهای قبلی که در پوشش بانکهای خصوصی، در ثروت ملی چنگ انداخته بروند دیگر در نیایند و نیرنگ جدیدی نزنند. /

والسلام

(ضمیمه)

فهرست اسامی انواع مؤسسات اعتباری و سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای صنعتی جهان نظیر آلمان، انگلیس، هلند، فرانسه و آمریکا

- Open - end Companies - شرکتهای سرمایه‌گذاری با سرمایه نامحدود
- Close - end Companies - شرکتهای سرمایه‌گذاری با سرمایه محدود
- Employees Securities Co. - شرکت اوراق بهادار کارمندان
- Securities Capital Companies - شرکتهای سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار
- Stock Exchange Co. - شرکت بورس ارزی
- Advisory Capital Companies - شرکتهای مشاور سرمایه‌گذاری
- Issuer Companies - شرکت ناشر اوراق بهادار
- Financial Companies - شرکتهای مالی
- Specialized Finacial Companies - شرکتهای مالی تخصصی
- Carrefour - فرانسه - موسسه اعتباری فروشگاههای زنجیره‌ای
- Securities credit Institutions - موسسات اعتباری اوراق بهادار
- Emigrants funds - صندوقهای مهاجرین (جنگی - اجتماعی)
- Tourist funds - صندوقهای توریستی
- Charity's funds - صندوقهای امور یتیمان
- Refugees funds - صندوقهای پناهندگان (اجتماعی - سیاسی)
- Social security Organization - سازمان تأمین اجتماعی و امور بیکاری
- Building Society - مؤسسه تأمین مسکن

- Consumer Credit Institutions
 - Building Credit Institutions
 - Foreign Credit Institutions
 - Insurance Companies
 - Bank like Institutions
 - Deposit - accepting Institutions
 - Institutional bond Issuers
 - Offshore Units
 - Saving and loan Associations
 - Life Insurance Companies**
 - Fire and Casualty Insurance Co.
 - Private Pension Funds
 - Mutual Funds
 - Unit Trust
 - Investment Trust
 - Insurance and Investment Companies
 - Investment Through Pensions Scheme
 - Leasing Companies
- مؤسسات اعتباری مصرفی
 - مؤسسات اعتباری مسکن
 - مؤسسات اعتباری خارجی
 - مؤسسات خدمات بیمه‌ای
 - مؤسسات اعتباری شبیه بانک
 - مؤسسات قبول سپرده
 - مؤسسات متشرکننده اوراق بهادار
 - واحدهای برون مرزی
 - مؤسسات پس انداز و وام
 - شرکتهای بیمه عمر
 - شرکت بیمه آتش سوزی و حوادث غیرمترقبه
 - صندوقهای بازنشستگی خصوصی
 - شرکتهای سرمایه گذاری در سهام
 - شرکتهای سرمایه گذاری در سهام
 - شرکتهای سرمایه گذاری
 - شرکتهای بیمه و سرمایه گذاری
 - سرمایه گذاری از طریق صندوقهای بازنشستگی
 - شرکتهای اجاره‌داری